



درس نهم : آداب و رسوم مردم استان

آداب و رسوم مردم کرمان

آداب و رسوم، عقاید و عادات اقوام و ملل، بیانگر نوع تفکر و خصوصیات مردم هر منطقه است. و از این طریق می‌توان روحیه، تعلقات و خلیقات خاص هر ملت را دریافت کرد.

منظور از فرهنگ و آداب و رسوم مردم هر منطقه، دانستنی‌های توده مردم است که در قالب افسانه‌ها، قصه‌ها، لطیفه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، معماها، ترانه‌ها، دعاها، نفرین‌ها، قسم‌ها، کنایات و غیره در یک منطقه رواج دارد.

استان کرمان، محل سکونت مردمی با عقاید مختلف دینی و مذهبی است که هر کدام از آنها آیین و مراسم خاصی دارند. کرمان، همچنین محل کوچ و زیست ایلات مختلف عشایری است که فرهنگ آنها با فرهنگ شهری اختلاف اساسی دارد.

به طور کلی، فرهنگ منطقه کرمان بر بنیاد دو عامل شکل گرفته است. از یک سو شرایط طبیعی و از سوی دیگر تاریخ پرفراز و نشیب این منطقه است که در مجموع به عادت قناعت و صبوریت مردم منجر شده است. این همه بدین معناست که فرهنگ استان کرمان از ترکیب جوامع شهری، روستایی و عشایری و همچنین متأثر از جریان‌های تاریخی و آیین‌های مذهبی بوده و همین عوامل باعث پیدایش خرده فرهنگ‌هایی در سطح استان پهناور کرمان شده است.

به این ترتیب، فرهنگ مردم هر منطقه، طی سالیان متمادی با لهجه و طرز تفکر و محیط زندگی مردم آمیخته شده و در نتیجه موجب تفاوت‌هایی میان مردم مناطق مختلف شده است. نوع پوشش و لباس مردم مناطق مختلف کرمان نیز تحت تأثیر آداب و سنن و شرایط خاص اقلیمی متفاوت است.

از جمله مشخصه‌های مردم کرمان، پایبندی آنها به آداب و رسوم و سنت‌های ملی و مذهبی است، تا آنجا که برخی از رسوم نظیر جشن سده، تنها در کرمان، هنوز باشکوه برگزار می‌شود.

در کرمان، همچنین مراسمی چون عید نوروز و سنت‌های وابسته، نظیر چهارشنبه سوری، سیزده بدر، خانه تکانی، تهیه سبزه و ... همراه با آداب و رسوم خاصی، مانند پختن سمنو، تهیه کُماچ سِهِن (سِن) و سایر خوراکی‌ها به گونه‌ای با شکوه برگزار می‌شود. سایر مراسم مانند شب چله، شب شیشه و برخی جشن‌های ملی و سنتی دیگر نیز مورد توجه و احترام مردم کرمان است.

روحیه و منش مردم کرمان

روحیه مردم کرمان متأثر از فرهنگ این جامعه است. کرمانی‌ها صبور، قانع، فعال، امین و مهمان‌نواز هستند. آنها به بزرگ‌ترها احترام می‌گذارند و با وجودی که عوامل طبیعی مساعد نیست، تا آنجا که مقدور باشد برای آباد کردن زمین‌ها و حفر قنوات تلاش می‌کنند. در کرمان به نسبت جمعیت خود مراسم سوگواری و ارادت به خاندان آل عصمت و طهارت علیهم‌السلام بیشتر از جاهای دیگر برگزار می‌شود.



شکل ۱-۳- مراسم تعزیه خوانی در کشکوئیه

دین و مذهب

اگر چه بیش از ۹۵ درصد مردم استان کرمان مسلمان و شیعه اند، اما ادیان و مذاهب دیگری چون زرتشتی، کلیمی و مسیحی نیز در کنار مسلمانان، زندگی می کنند. به خصوص زرتشتی ها که صاحب محله، مدرسه دخترانه و پسرانه، آتشکده، موزه و گورستان مخصوص اند، مراسمی چون جشن سده را با شکوه برگزار می کنند.

گوش کرمانی

حتماً تا به حال دقت کرده اید که مردم مناطق مختلف ایران، با گویش های مختلف سخن می گویند. این گویش ها معمولاً سابقه طولانی دارند و مردم هر منطقه به خاطر ارتباط کلامی با یکدیگر به راحتی و با علاقه آن را به کار می برند. ایران از دیرباز، به دلیل وسعت قلمرو، غنای فرهنگی و حضور اقوام مختلف، دارای تنوع گویشی بسیار است. در استان پهناور کرمان نیز این گوناگونی گویش به نحوی چشم گیر مشاهده می شود. البته در چند دهه اخیر، با توجه به نقش رسانه ها در ترویج زبان رسمی، به مرور گویش ها رو به فراموشی می روند. با این وجود، هنوز تفاوت های گویشی میان شهرهای مختلف به چشم می خورد.



ضرب‌المثل‌های هر منطقه، از نظر گویشی عموماً غنی هستند. حتی مردمی که کمتر از گویش محلی استفاده می‌کنند، موقع کاربرد ضرب‌المثل، از گویش محلی استفاده می‌کنند.

فعالیت



— با توجه به گویش مردم محل سکونت شما جدول زیر را تکمیل نمایید.

کلمه	گرد و غبار	پدربزرگ	مادر	باجنانق	گرسنه	چلو صافی	عنکبوت	جیر جیرک	قارچ محلی
تلفظ محلی									

برای مطالعه



نمونه‌ای از ضرب‌المثل‌های کرمانی

* آب از کُنْج ناخونش نمی‌چکه

آب از گوشهٔ انگشت‌اش نمی‌ریزد؛ کنایه از اینکه بسیار خسیس است.

* تُرُش بالا به آفتابه می‌گه دو کتو

آبکش به آفتابه می‌گوید دو سوراخ داری؛ کنایه از اینکه شخصی پر از عیب است، اما از دیگری عیبجویی

می‌کند.

* خونهٔ همسایه کُماچه به ما چه؟

خانهٔ همسایه کماچ درست می‌کنند و به ما مربوط نیست؛ کنایه از این که در کار دیگران مداخله نکنیم.

نمونهٔ لالایی کرمانی

الالا گلم لالا / بخوابه بلبلم لالا

الا لالایی لالایی / برو لولوی صحرایی
برو لولو جهنم شو / بلا گردون رودم شو
برو لولوی صحرایی / تو از رودم چه می‌خواهی
که رودم کرده لالایی

دوبیتی عامیانه

دوبیتی‌های عامیانه بسته به شرایط جغرافیایی مناطق مختلف، رنگ و بوی خاص خود را دارند؛ مثلاً در روستاهای کویری گلباف مشتمل بر سه روستای حُرْمَک، نَسْک و کِشیت بیشتر با واژه‌هایی نظیر لوت، شتر، و نخل سرو کار داریم؛ اما روستاهای شمالی که میوه‌های سردسیری دارند این دوبیتی‌ها رنگ و بوی دیگری دارند.

نمونه دوبیتی

* غریبی سخ مرا دل‌گیر داره	فلک ور گردنم زنجیر داره
فلک از گردنم زنجیر ور دار	که غربت خاک دامنگیر داره
* سرکوه بلند نی می‌زنم نی	شتر گم کردم و پی می‌زنم پی
شتر گم کرده‌ام با کره‌هاشی	گلی گم کرده‌ام شاید تو باشی
* سرکوه بلند فریاد کردم	امیرالمؤمنین را یاد کردم
امیرالمؤمنین ای شاه مردون	که رو ور قبله حاجات کردم

فعالیت



- ۱- چند مورد از ضرب‌المثل‌های رایج محل زندگی خود را بیان نموده و معنای آنها را نیز به نثر روان بنویسید.
- ۲- نمونه‌هایی از سروده‌های محلی منطقه سکونت خود را جمع‌آوری نمایید.



بیشتر بدانیم

موسیقی کرمان

موسیقی محلی کرمان از جایگاه خوبی برخوردار است؛ به گونه‌ای که برخی از سازهای محلی این استان در دنیا بی‌نظیر است.

موسیقی نواحی استان به ترانه‌های کار، شادمانی، روایی و حماسی، سوگ آواها، لالایی‌ها، صوفیانه، مذهبی و آیینی، ساربان، زورخانه و کولی‌ها تقسیم بندی می‌شود.

سازهای موسیقی نواحی استان، شامل کوبه‌ای، بادی و زهی است.

سازهای کوبه‌ای پوستی نظیر جوغ، انواع دایره، دهل، تمبک و تمپو است.

سازهای کوبه‌ای بدون پوست را به کوزه، سنگ، چوسر (چوب سحر) و خلخال می‌توان تقسیم بندی کرد.



شکل ۲-۳ نمونه‌ای از سازهای
کوبه‌ای و بادی محلی کرمان

برای مطالعه



نمونه ترانه محلی کرمان

رفتم به باغ پسته / مندلی خان نشسته
سنگی زدم به دوشش / مرواری ریخت تو کوشش (کوش = دامن)
"ای" طرف جو جکیدم / "او" طرف جو جکیدم
شاخ نباتی دیدم / برداشتم و دویدم
گفتم ننه، ننه، من آش می‌خام؛
قاشق نقاش می‌خام / زن قزلباش می‌خام
اُرسی فرش کرده می‌خام / قلیون چاق کرده می‌خام
سوار "ای" لوک نمی‌شم / سوار "او" لوک نمی‌شم
سوار جَمازه می‌شم / تا در دروازه می‌شم
که دروازه نگین داره / که قُفل عمبرین داره

نمونه‌ای از باورهای قدیمی

اگر گربه برابر انسان دست و صورتش را بلیسد نحس است.
اگر کف دست انسان بخارد پول گیرش می‌آید.
اگر در فنجان چای یک پر چای روی فنجان آمد مهمان می‌رسد.
آب خوردن از کوزه شکسته یا لیوان شکسته خوب نیست.
موقع طبخ سمنو اگر چشم ناپاک به دیگ بیفتد سمنو خراب می‌شود.
شب ششم زائو که به شب شیشه معروف است، شیشه‌ای را بالای بام می‌گذارد. عده‌ای هم از بستگان زائو در اتاق جمع می‌شوند و تا صبح شب زنده داری می‌کنند تا از آمدن آل و شیشه و غیره جلوگیری کنند.

صنایع دستی استان کرمان

صنایع دستی، هنر سنتی و نماد همبستگی اقوام مختلف ایرانی است و ریشه در فرهنگ و تاریخ کشورمان دارند. در واقع، صنایع دستی هر منطقه معرف فرهنگ همان منطقه به سایر نقاط کشور و جهان است.



پته، گلیم، مشبک، مُعَرَّق و مُنَبَّت چوب، طراحی سنتی، طراحی گلیم، طراحی قالی، تذهیب، مینیاتور، مس ترئینی، مجسمه‌سازی، عروسک‌ها و لباس‌های محلی، آیینه‌دوزی، سکه‌دوزی و چاقو سازی از جمله صنایع دستی استان کرمان است.

پته دوزی: پته از جمله صنایع دستی زنانه دوزی است که با نخ‌های رنگی، روی پارچه مخصوصی که به آن عریض می‌گویند، دوخته می‌شود. پته در رنگ‌های سفید، سبز و قرمز و ... عرضه می‌شود و هر چه دوخت پته ریزتر و ظریف‌تر باشد، مرغوب‌تر است. پته کرمان که از نظر زیبایی و چشم نوازی شهرت دارد برای رومیزی، سجاده، پرده و ... مورد استفاده قرار می‌گیرد.



شکل ۳-۳- پته دوزی هنر دستی زنان کرمان



قالی بافی: کرمان پشم بسیار مرغوبی برای قالی بافی دارد. و قالی کرمان از قدیم به عنوان نفیس‌ترین و ظریف‌ترین قالی ایران و دنیا شهرت دارد. شهرت قالی کرمان به دلیل تلفیق جذاب طرح و رنگ است و یکی از زیباترین و خوش سبک‌ترین بافته‌های جهان، قالی راور است.

طرح و نقش گل و گیاه و درختان، نقش رایج در فرش کرمان است و رنگ‌های کرم، لاک‌ی، سرمه‌ای و خاکستری از پرکارترین رنگ‌ها در فرش کرمان، محسوب می‌شوند.

شکل ۳-۴- قالی کرمان

ویژگی‌های فرهنگی استان

گلیم شریکی پیچ: زنان روستایی عشایر «سیرجان» و «بافت» با سرپنجه هنر آفرین خود نوعی گلیم می‌بافند که شهرت جهانی دارد.

در این نوع بافته، پود، در پرز گلیم مخفی می‌شود. گره متن یا آبدوزی نیز به مدد بافت می‌رود و نقش و نگاری از هنر می‌آفریند. عشایر این منطقه موقع بافت این نوع گلیم، گل‌هایی چون کشمیری، گلدانی، موسی خانی، سماوری، درختی و حشمتی خلق می‌کنند که نمونه آن را تنها در گلزار هنر کرمان زمین باید جست‌وجو کرد.



شکل ۳-۵- گلیم شریکی پیچ

قوه تو: قوه تو، نوعی خوراکی خوشمزه و مقوی و به شکل پودر است که در لهجه محلی به آن قوتو می‌گویند. آن را از آسیاب گیاهان مفیدی درست می‌کنند. کرمانی‌ها از قوتو برای پذیرایی از مهمان، به خصوص مراسم تولد نوزاد استفاده می‌کنند. انواع قوتو شامل قهوه‌ای، نخودچی، پسته‌ای، نارگیلی وجود دارد که همه آنها خوشمزه و مقوی‌اند.



شکل ۳-۶- انواع قوتو



شکل ۷-۳- کلمپه کرمانی

کلمپه: از جمله شیرینی‌های رایج در کرمان، کلمپه است که آن را از ترکیب خرما، آرد و روغن درست می‌کنند. در سال‌های اخیر، انواع تازه‌تری از آنکه با گردو و زعفران درست می‌شود باب شده است. در برخی موارد نیز از روغن محلی در طبخ آن استفاده می‌شود، که برخی این نوع را بیشتر می‌پسندند. مصرف کلمپه علاوه بر اینکه در کرمان رواج زیادی دارد؛ از این شیرینی به عنوان یک سوغات خوب استقبال می‌شود.

کماج سبهن: این شیرینی از ترکیب جوائه گندم، خرما و روغن درست می‌شود و سرشار از انرژی و بسیار مقوی است. سایر شیرینی‌های خانگی: علاوه بر کلمپه و کماج سبهن، شیرینی‌های دیگری چون سوهان زرد، مسقطی سیرجان، حاج بادام، نان برنجی، برشتو، نان پر، زبون میرزا و ... به صورت خانگی در کرمان درست می‌شود که بسیار سبک، کم شیرینی و خوشمزه‌اند.

برای مطالعه



نمونه بازی‌های محلی: سرگزیزکو

در این بازی، یکی از بچه‌ها به عنوان رئیس انتخاب می‌شود. بچه دیگری سر خود را روی دامن او می‌گذارد. رئیس چشم‌های او را محکم می‌بندد. سایر بچه‌ها هر یک در گوشه‌ای پنهان می‌شوند. پس از آنکه بچه سر برداشت؛ رئیس می‌خواند:

سرور داشت و سرور داشت

هر جا هستی قائم باش!

در این مرحله، رئیس یک بچه‌ها را نام می‌برد. هر بچه‌ای که اسمش گفته می‌شود باید دست بزند یا صدایی از خود در آورد. بچه‌ای که روی چشم‌اش بسته شده باید حدس بزند که هر کدام از بچه‌ها کجا پنهان شده‌اند. با این ترتیب؛ بازی ادامه می‌یابد تا زمانی که او بتواند همه بچه‌های دیگر را پیدا کند.

فعالیت



– چگونگی انجام چند نمونه از بازی های محلی که می شناسید را تشریح نمایید.

فرهنگ زرتشتی

یکی از اقلیت های مورد احترام کرمانی ها، مردم زرتشتی ساکن در این دیارند. وجود همین اقلیت دینی در کرمان، باعث ماندگاری سنت ها و آیین های زرتشتی در این منطقه شده است. آیین هایی مثل جشن سده، جشن مهرگان، لباس سبز پوشیدن در مراسم عقد و... از جمله آنهاست. آتشکده مقدس و زیارتگاه پیر سبز در منطقه حکایت از وابستگی آنها به آیین های مذهبی خویش است.

لباس عشایر

در جامعه شهری کرمان، به دلیل غلبه زندگی شهری و نفوذ رسانه ها مردم از نظر پوشش، تقریباً یکسان می پوشند. اما در جامعه عشایری این تفاوت ها هنوز به چشم می آید. زنان ایل آسیاب پر، لباس گشاد تا سر زانو و روسری به نام «شیلک» دارند که با سکه تزیین شده است. مردان شلوار گشاد و مشکی و پیراهن سفید می پوشند.



شکل ۸-۳- پوشش زنان عشایر بلوچ کرمان



زنان ایل افشار، از جمله طایفه قاسم‌اولادی، لباس‌های بلند می‌پوشند؛ دور سر دستمال می‌بندند و روی آن چارقد می‌گذارند. در ایل بُجاقچی، زنان دامن چین‌دار، چارقد، دستمال و عمامه؛ اما مردان، شال و قبا و گیوهٔ ملکی دارند.



شکل ۹-۳- لباس و کبر بلوچ بامری رودبار جنوب

جشن سده یا آیین سده سوزی

جشن سده از قدیمی‌ترین جشن‌های ایرانیان است که هنوز برگزاری آن در میان مردم کرمان به ویژه زرتشتی‌ها رایج و طرفداران زیادی دارد.



شکل ۱۰-۳- مراسم جشن سده در کرمان

ویژگی های فرهنگی استان

مراسم این جشن غروب روز دهم بهمن هر سال، هنگامی که هزاران نفر به تماشا آمده اند برگزار می شود. مراسم با برپایی آیین نیایش توسط موبدان زرتشتی در محل باغچه بُداغ آباد آغاز می شود؛ سپس با تشریفات ویژه ای از محل باغچه خارج می شوند، و در محوطه باز مقابل باغچه، با آتش زدن خرمن بزرگی از هیزم، در حالی که هزاران نفر از مردم کرمان، برای تماشا آمده اند، آیین سده سوزی را به جا می آورند.

درباره دلیل پیدایش این جشن، نظرات مختلفی بیان شده است. گروهی معتقدند دهم بهمن ماه به تقویم کهن، صد روز از فصل سرما گذشته یا پنجاه شب و پنجاه روز به نوروز باقی مانده است، و چون فصل کشت و کار به زودی فرا می رسد زمین باید با آتش سده گرم شود. برخی نیز دلایل افسانه ای عنوان می کنند. این عده با اشاره به داستان ضحاک مار دوش می گویند، در این روز فریدون بر ضحاک پیروز شده و این جشن از یادگارهای آن دوره است.

بعضی نیز آن را صرفاً یک جشن دهقانی و چوپانی می دانند؛ برای مثال، هنوز در بین چادرنشینان بافت و سیرجان آیین سده سوزی چوپانی برگزار می شود.

زیارت پنج تن

این مراسم همه ساله از آغاز سال نو به مدت سه روز در اطراف آرامگاه یا زیارتگاه پنج تن در مِهناباد رودبار برگزار می شود و همزمان با آن، بزرگ ترین بازار سالانه منطقه نیز تشکیل می شود.

از حدود دهم اسفند ماه دکان داران عنبرآبادی و سپس رودباری و محلی به مِهناباد آمده چادر می زنند و برپایی بازار را تدارک می بینند. آن گاه جمعیت بی شماری از تمامی ده نشینان و عشایر ساکن منطقه جیرفت و مناطق مجاور آن به مِهناباد وارد شده و با برپایی چادر در زیر درختان و قربانی کردن گوسفند و فراهم ساختن سور و سات به شادی و تفریح می پردازند.

در این هنگام، مِهناباد به صورت بازار سالیانه برای مردمی در می آید که از ساردوئیه تا منوجان و از فاریاب تا دلگان بلوچستان برای شرکت در بزرگ ترین اجتماع روستایی - عشایری منطقه گرد می آیند.

مراسم سوگواری

مراسم سوگواری در میان عشایر از اهمیت ویژه ای برخوردار است و با شکوه و سوز و گداز برگزار می شود. وقتی شخصی از مردم ایل جبال بارز فوت کند، ایل یکپارچه در ماتم و غزا فرو می رود. ابتدا همه مردم ایل جمع می شوند و در مراسم غسل و دفن متوفی شرکت می کنند. آنها پس از صرف ناهار احسان، به خانه های خود بر می گردند.

اولین پنجشنبه ای که فرا می رسد، مرد و زن جمع شده به گورستان می روند و پس از خواندن فاتحه بر می گردند. از آن پس، هر روز عده ای از نزدیکان و آشنایان ساکن در جاهای دیگر برای تسلیت گفتن به منزل متوفی می روند. این رسم در ناحیه گاوگان تا یک سال طول می کشد.



برای مطالعه



نمونه‌ای از چیستان‌ها

ای سرکواره اره؛ اون سرکوه دره دره؛ میون کو گوشت بره؛ بالاترش روغنگری؛ بالاترش گله چرون.

پاسخ: صورت و بینی و دهان و موی سر انسان

عجایب صنعتی دیدم در این دشت؛ که بی جون و ورد چوندار می گشت.

پاسخ: گرجین، خرمن کوب سنتی

از در درآمد نر پلنگ؛ عصای دستش همه رنگ

پاسخ: قالی

سه دکون دوش به دوش یکی مخمل فروش یکی آرد فروش و یکی چوب فروش

پاسخ: سنجید

فعالیت



— هر کدام از دانش آموزان، دست کم پنج چیستان از محل زندگی خود جمع آوری و به کلاس ارائه دهند.

فصل چہارم

پیشینہ استان کرمان

